

## The Sibgha of Allah in the Mirror of History<sup>\*</sup>

Mina Shamkhi<sup>\*\*</sup>  
Saeed Rahimian<sup>\*\*\*</sup>  
Alireza Khonsha<sup>\*\*\*\*</sup>

### Abstract

Since the time of the revelation of the holy Quran, the interpretation of its verses has been discussed as well. It is natural that throughout history, interpretation of the verses has undergone changes and transformations. One of these verses is verse 138 of Surah Al-Baqarah, which is known as "the Sibgha of Allah" ("the Dye of Allah"). In this noble verse, reference is made to divine dye and color. The question is how the dye and color of Allah truly is. What is its meaning and concept? And how have interpreters from different eras interpreted it based on their inclinations and orientations? In this study, the method of content analysis was used to analyze interpretive comments, and the results of examining the historical evolution of comments show that initially, in the earliest interpretations, by mentioning the baptismal rite of Christians, the dye was interpreted as "Islam." Then, in the narrated interpretations of Sunni scholars, it was translated and interpreted as "Islam," "nature," "traditions including circumcision," and "divine piety." Moreover, in the narrated interpretations of Shi'a scholars, it was translated and interpreted as "Islam" and "adorning the believers with the guardianship of the Imam in the world of covenant." Then, in the interpretations of the fifth and sixth centuries, with the help of reasoning and intellectual and literary analysis, and by referring to various statements, the dye was understood as "nature" or "purification" through faith in Islam. Later on, in the medieval period, mystical interpreters like Ibn Arabi considered the dye as the inner and true essence of religion. In contemporary times, along with quotations from the past, jurisprudential or intellectual analyses with a modern approach have been considered, and the messages of the verse, such as rejecting racial and tribal differences as well as calling for justice and brotherhood are emphasized. It is worth mentioning that each of the mentioned meanings can be correct, but it seems that the "colorless color of Allah," which is the "religion of Islam" and, consequently, the "guardianship of the Imam" as a complete example, can be chosen as the best and most comprehensive interpretation of "the dye of Allah."

**Keyword:** The Holy Quran; The Sibgha of Allah; Interpretative comments; Historical evolution; Functions

\* Received: 2023-January-04 Accepted: 2023-July-15

\*\* Associate Professor of Qur'anic and Hadith Sciences of Faculty of Theology of Shahid Chamran University of Ahvaz. Ahvaz, Iran (The Corresponding Author) Email: M-Shamkhi@yahoo.com

\*\*\* Professor of Islamic Philosophy and Theology of Faculty of Theology and Islamic studies of Shiraz University. shiraz, Iran. Email: Sd.Rahimian@gmail.com

\*\*\*\* Ph.D. student of Quranic and Hadith Sciences of Faculty of Theology of Shahid Chamran University of Ahvaz. Ahvaz, Iran. Email: Akhonsha@yahoo.com



## صبغه الله در آینه‌ی تاریخ\*

مبنا شمخی\*\*  
سعید رحیمیان\*\*\*  
علیرضا خنشا\*\*\*\*

### چکیده

از زمان نزول قرآن، تفسیر آیات آن نیز مطرح بوده است. بدیهی است که در طول تاریخ، تفسیر دچار تغییر و تحولاتی شده است. یکی از این آیات، آیه‌ی ۱۳۸ بقره می‌باشد که به «صبغه الله» معروف است. در این آیه‌ی شریفه، به صبغه و رنگ الهی اشاره شده است. اینکه به راستی صبغه و رنگ الله به چه صورت می‌باشد؟ مراد و مفهوم آن چیست؟ و مفسران فریقین، بسته به گرایش خود آن را چگونه معنا نموده‌اند؟ در این پژوهش به روش تحلیل محتوا به تجزیه و تحلیل آراء تفسیری پرداخته شده و نتایج سیر تطور آراء نشان می‌دهد که ابتدا در تفاسیر نخستین با ذکر جریان غسل معمولی مسیحیان، صبغه را به «اسلام» معنا نموده، سپس در تفاسیر مأثور اهل سنت، به «اسلام»، «فطرت»، «سنن از جمله ختنه» و «تقوی الهی» اشاره شده و در تفاسیر مأثور شیعیان به «اسلام» و «تزئین مؤمنین به ولایت امام در عالم میثاق» ترجمه و معنا شده است. آن گاه در تفاسیر قرن پنجم و ششم با کمک استدلال‌ها و تحلیل‌های عقلی و ادبی با اشاره به اقوال مختلف، صبغه را فطرت یا تطهیر به واسطه‌ی ایمان به اسلام می‌دانند. سپس در قرون میانه مفسران عارفی مثل ابن عربی، صبغه را باطن و حقیقت مذهب دانسته‌اند. در قرون معاصر در کنار نقل قول از گذشتگان، تحلیل‌های اجتهادی یا عقلی با رویکرد عصری مورد توجه قرار گرفت و به پیام‌های آیه، مانند ترک اختلاف نژادی و قبیله‌ای، دعوت به عدالت و برادری، اشاره می‌گردد. البته هر کدام از معانی گفته شده می‌تواند صحیح باشد، ولی به نظر می‌رسد که «رنگ بی‌رنگی الله» که همان «دین اسلام» و به دنبال آن «ولایت امام» به‌عنوان مصداق کامل را می‌توان به‌عنوان بهترین و کامل‌ترین معنا برای «صبغه الله» انتخاب نمود. کلیدواژه‌ها: قرآن، آراء تفسیری، سیر تاریخی، صبغه الله، کارکردها.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴

\*\* دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه شهید چمران اهواز. اهواز، ایران (نویسنده مسول)

M-Shamkhi@yahoo.com

ایمیل:

\*\*\* استاد فلسفه و کلام اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه شیراز. شیراز، ایران. ایمیل: Sd.Rahimian@gmail.com

\*\*\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه شهید چمران اهواز. اهواز، ایران. ایمیل:

Akhonsha@yahoo.com



## ۱-۱- طرح مسئله

آیه‌ی شریفه‌ی ۱۳۷ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره از واژه‌ی «صبغه‌الله» استفاده نموده است. این عبارت برای مترجمان و مفسران قرآن مجید، سختی‌هایی ایجاد کرده و در پی آن موجب تفاوت در آراء تفسیری شده است. اینکه به راستی، حقیقت رنگ خدایی چیست؟ مراد حق تعالی از این آیه چه بوده است؟ ارتباط و تناسب آیه با آیات قبل و بعد به چه اندازه می‌باشد؟ در این پژوهش به بررسی آراء و دیدگاه‌های مختلف مفسران درباره‌ی آیه‌ی «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَبِيدُونَ» پرداخته و سیر تاریخی تغییر و تطور آراء مفسران در مورد آن مشخص می‌شود.

## ۱-۲- پیشینه‌ی پژوهش

درباره توحید و خداشناسی آثار زیادی مانند تفسیر موضوعی «توحید در قرآن» از علامه جوادی آملی، «رسائل توحیدی» از علامه طباطبایی، «توحید» از شهید مطهری و... وجود دارد، اما تاکنون به طور خاص درباره‌ی سیر تطور تفسیر آیات توحیدی هیچ کتابی تألیف نشده است. از کارهای جدید درباره‌ی این آیه می‌توان به مقاله‌ی «رنگ یا تعمید؟ پژوهشی درباره‌ی آیه‌ی «صبغه‌الله...» از معصومه خاتمی و سید کاظم طباطبایی اشاره نمود که در این اثر به رویکردهای مختلف در شرح و تفسیر آیه اشاره می‌شود و نیز از پایان‌نامه‌ی اسعد احمد سالم الغانم به نام «پژوهشی در ماده شهد و مترادفات آن در قرآن کریم» رویکردی لغوی و معناشناختی نام برد. در این اثر به رویکرد لغوی و معناشناختی ماده‌ی «شهد و مترادفات» آن پرداخته شده و درباره‌ی سیر تاریخی تغییر و تطور آراء مفسران صحبتی نشده است.

### ۱-۳- ضرورت و اهمیت پژوهش و روش کار

از زمان نزول قرآن، تفسیر آیات آن نیز مطرح بوده است. بدیهی است که در طول تاریخ، تفسیر دچار تغییر و تحولاتی شده است. در برخی مقاطع، این تغییرات زیاد و گاهی اندک بوده است و نظر به اینکه اصل توحید زیربنای اصلی ادیان الهی می باشد، آگاهی از تحول و تطور تفسیر این آیات، به درک بهتر و عمیق تر فهم آیات کمک شایانی می کند و با تقویت خداباوری و خدامحوری راه هدایت و تربیت الهی، روشن تر می گردد. از آنجا که تاکنون درباره سیر تاریخی تغییر و تحول آراء تفسیری درباره این آیه کریمه کار خاصی صورت نگرفته است، انجام این طرح می تواند حائز اهمیت باشد. روش کار به شیوهی تحلیل محتوا بوده و منابع مورد استفاده: کتابخانه‌ای، پایگاه‌ها و نرم افزارهای علوم اسلامی می باشد.

### ۱-۴- بررسی لغوی

صیغ، از ریشه‌ی ص-ب-غ، دارای یک اصل و به رنگ آمیزی چیزی به رنگ خاص اطلاق می شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۳/۳۳۱) و در آیه «صِبْغَةَ اللَّهِ» اشاره به چیزی است که خدای تعالی از عقل یا شعور که تمییزدهنده‌ی انسان از حیوانات می باشد، مثل فطرت در انسانها، ایجاد کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲/۳۷۳). برخی لغویون، صیغ و صباغ را آنچه که با آن رنگ آمیزی می کنند و الصباغه را، حرفه‌ی رنگ آمیزی (رنگرز) می دانند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۴/۳۷۴). برخی نیز آن را مصدر مؤکد (مفعول مطلق)، منتسب به آیه‌ی «آمنا بالله» و به معنای تطهیر الهی می دانند (طریحی، ۱۳۷۵ ش: ۱۳/۵؛ طبرسی، ۱۳۷۷ش: ۱/۱۸۵). اصل آن مربوط به نصاری می باشد که نوزادان خود را در آب مخصوصی که «معمودیه» نامیده می شد، فرو می بردند و این

عمل را موجب تطهیر آن نوزاد می‌دانستند (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۸۰/۲؛ طریحی، ۱۳۷۵ش: ۱۳/۵). اگر به فتحه اول (ص) باشد، به معنای رنگ کردن و به کسر آن، یعنی رنگ شده می‌باشد (قرشی، ۱۳۷۱ش: ۱۰۷/۴) و در کل می‌توان به رنگ یا شیوه‌ی چیزی را به خود گرفتن معنا نمود (مهیا، بی‌تا: ۸۳).

بعضی معنای پایه و بنیادین ماده‌ی «صبغ» را «فرو بردن شیئی در مایعی» دانسته (خاتمی و طباطبایی، ۱۳۸۴ش: ۷) و دیگری صبغه را بر وزن جَلَسَه، مصدر نوعی و به معنای نوعی رنگ‌آمیزی که دگرگونی و تحولی را پدید آورد، می‌داند (جوادی‌آملی، ۱۳۹۵ش: ۲۴۹/۷).

درباره‌ی علت مفتوح بودن «صِبْغَة» (عامل نصب) در «صبغه‌الله» چند دیدگاه مطرح می‌باشد: برخی علت آن را معطوف شدن به آیه‌ی «قولوا آمنا» (بقره/۱۳۶) و عامل نصب را همان «آما بالله» می‌دانند (دعاس، حمیدان، قاسم، ۱۴۲۵ق: ۵۸/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱۹۶/۱؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق: ۸۷/۴) و برخی دیگر، عامل نصب را بدل تفسیری بودن آن برای «ملة ابرهیم» (بقره/۱۳۵) می‌دانند: «یعنی بر ما لازم است رنگ‌آمیزی خدا را بپذیریم و خدا را به واسطه‌ی پیروی از ملت ابراهیم، عبادت نماییم «بل اتبعوا ملة ابراهیم حنیفا» (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴۰۷/۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۸۹/۲). دیدگاه دیگر این است که «صبغه‌الله»، منصوب به اغراء می‌باشد؛ یعنی اتبعوا و الزموا صبغه‌الله (متکلم با توجه دادن مخاطب بر امر محبوب به جهت انجام آن، در واقع او را علاقه‌مند به آن امر گردانیده تا به آن پایبند باشد). در این آیه یعنی اسلام را که مطابق فطرت و حقیقت الهی خویش است، انتخاب کن و آن را پیروی نما (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۸۹/۲؛ زمخشری، ۱۴۰۸ق: ۱۹۶/۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۳۲۳/۱؛ جوادی‌آملی، ۱۳۹۵ش: ۲۵۰/۷ به نقل از المعجم الوسیط: ۶۵۱).

### ۱-۵- بررسی آراء مفسران نخستین (سده اول و دوم)

همان طور که ذکر شد، معمولاً مفسران نخستین به طور ساده به بیان معانی واژه‌ها، گاهی همراه با شأن نزول می‌پردازند؛ برای نمونه: «صِبْغَةَ اللَّهِ، ابوالعالیه گفت: دین الله. مجاهد گفت: اسلام است. عبدالله عباس گفت: ترسایان را چون فرزندی آمدی، روز هفتم، او را به آبی بردندی که آن را عمودیّه گفتندی و او را به آن آب بشستندی و گفتندی: صبغناه به، ما او را به این آب بشستیم تا دینی دگر نگیرد جز ترسایی، و این به جای ختان داشتند. خدای تعالی بر ایشان ردّ کرد به عبارت ایشان، گفت: این دین که خدای رنگ کرده است بهتر است. عده‌ای دیگر از مفسران گفتند: جهودان را عادت بودی که چون ایشان را مولودی بودی، رنگی در او مالیدندی، و ترسایان نیز رنگی به خلاف رنگ جهودان در مولود مالیدندی، و آن چون شعاری بودی ایشان را، حق تعالی گفت: شعار مسلمانی که بر رنگ اصل خلقت باشد، آن که خدا آفرید، آن بهتر باشد. برخی دیگر از علما گفتند: حق تعالی دین را برای آن صبغت خواند که دین را اثری و علامتی بود، چنان که رنگ را. ابن کیسان گفت: «صِبْغَةَ اللَّهِ»، یعنی قبله الله، بعضی دگر گفتند: حجة الله. زجاج و ابو عبیده گفتند: خلقه الله، و معنی آن این است که: خدای تعالی خلقان را بر فطرت اسلام آفرید، بیانش: «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۸۸/۲؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ۲۴۵/۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۴۴۵/۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۳۲۳/۱). در دو تفسیر مکتوب از قرن دوم «صِبْغَةَ اللَّهِ»، دین اسلام معنا شده که باید از آن تبعیت کرد؛ چون تنها دین قابل قبول می‌باشد: «یعنی الإسلام لقولهم للمؤمنين اتبعوا ديننا فإنه ليس دين إلا ديننا» (بلخی، ۱۴۲۳ق: ۱۴۲/۱؛ شهید زید بن علی، ۱۴۱۲ق: ص ۹۱).

## ۱-۶- بررسی آراء مفسران سده سوم و چهارم

همان‌طور که ذکر شد از قرن سوم هجری، نگارش تفسیر به سمت نقل روایات گرایش یافت. در تفاسیر این قرن حول این آیه، معمولاً بعد از بیان جریان غسل تمهید نصاری، «صبغۀ الله» را «دین اسلام» می‌دانند (هواری، ۱۴۲۶ق: ۱/۱۴۶؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق: ص ۶۱؛ ابو عبیده، بی تا، ص ۵۹؛ قمی، ۱۳۶۷ش: ۶۲/۱).

در قرن چهارم، تفاسیر نقلی گسترش یافت و در اهل سنت جامع‌البیان طبری و تفسیر القرآن العظیم ابن ابی حاتم و در شیعیان تفسیر فرات کوفی و تفسیر العیاشی (کتاب التفسیر) به نگارش درآمد. از این قرن تفاسیر روایی فریقین کاملاً از هم متمایز گردید. شیعیان به نقل روایت از ائمه‌ی اطهار (ع) و دفاع از حقانیت ولایت و امامت پرداختند و اهل سنت به نقل از صحابه و تابعین کفایت نمودند؛ به عنوان مثال در دو تفسیر مشهور شیعی این سده «صبغۀ الله» به اسلام و ولایت امیرالمومنین (ع) و اهل بیت (ع) در عالم میثاق (ذر)، شرح و تاویل شده است: «قال صبغة المؤمنین بالولاية فی الميثاق» (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۶۱) یا «قال الصبغة: الإسلام» یا «قال: الصبغة: معرفة أمیر المؤمنین بالولاية فی الميثاق» (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۶۲/۱). آراء تفسیری حول این کریمه در تفاسیر مشهور اهل سنت در این سده، به نقل از صحابه و تابعان پرداخته که در زیر آورده می‌شود:

۱-۶-۱- دیدگاه ابن ابی حاتم: ایشان دو وجه را برای صبغۀ الله قائل است؛ وجه اول: به نقل از ابن عباس، أبی العالیة، مجاهد، حسن، إبراهیم نخعی، عبدالله بن کنیر، ضحاک، قتادة، عکرمة، عطیة، ربیع بن أنس و سدی «صبغۀ الله» را دین اسلام می‌داند: «فی قوله: صِبْغَةَ اللَّهِ قال: دین الله». وجه دوم از سعید بن جبیر از ابن عباس: بنی اسرائیل از موسی پرسیدند: رنگ خدای تو چیست؟ فرمود: تقوای الهی. آن گاه

خداوند موسی را ندا داد: آیا از تو درباره‌ی رنگ خدایی سوال می‌کنند؟ موسی گفت: بله. حق تعالی فرمود: من قرمز، سفید، سیاه رنگ می‌کنم و همه رنگ‌ها در رنگ من است. سپس خداوند آیه‌ی «صِبْغَةَ اللَّهِ...» را بر رسولش حضرت محمد (ص) نازل نمود (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ۱/۲۴۵).

۱-۶-۲- دیدگاه ابوجعفر محمد بن جریر طبری: ایشان صبغه را دین اسلام می‌داند و به جریان غسل تمهید مسیحیان اشاره نموده و آن گاه به ذکر اقوال صحابه و تابعان (در بالا ذکر شد) در این باره می‌پردازد و سپس علت منصوب بودن «صِبْغَةَ اللَّهِ» را بازگشت آن به «ملة إبراهيم» یا «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ» می‌داند (طبری، ۱۴۱۲ق: ۱/۴۴۴). این دیدگاه «صِبْغَةَ اللَّهِ، أی: اتبعوا دین الله و الزموه؛ تبعیت از دین اسلام و الزام به آن» توسط دو مفسر سنی دیگر این قرن، یعنی نصر بن محمد سمرقندی (سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ۱/۹۷) و سلیمان بن احمد طبرانی (طبرانی، ۲۰۰۸م: ۱/۲۵۴) بیان می‌شود.

### ۱-۷- بررسی آراء مفسران سده پنجم و ششم

با ظهور استفاده از تحلیل عقلی از قرن پنجم، تفاسیر با الوان مختلف گسترش یافت. آراء مفسران حول این آیه به چهار دسته در این دوره قابل تقسیم می‌باشد؛ دسته‌ی اول: ذکر اقوال گذشتگان. دسته‌ی دوم: رویکرد صوفیانه. دسته‌ی سوم: رویکرد اجتهادی. دسته‌ی چهارم: رویکرد ادبی. در زیر مهم‌ترین آراء تفسیری این سده‌ها آورده می‌شود:

۱-۷-۱- دسته‌ی اول (ذکر اقوال گذشتگان): این دسته تفاسیر که بیشترین کتب تفسیری این سده را به خود اختصاص داده است و معمولاً به ذکر اقوال صحابه و



تابعین پرداخته است و با ذکر جریان غسل تمهید نصاری «صبغه‌الله» را دین یا فطرت خدایی یا وصف ایمان الهی می‌دانند. از مهم‌ترین مفسران این دسته می‌توان به افراد زیر اشاره نمود: (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۵/۲؛ ماوردی، بی‌تا: ۱/۱۹۵؛ جرجانی، ۱۴۳۰ق: ۱/۲۴۵؛ قاضی معتزلی، ۲۰۰۹م: ۱/۸۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ۱/۱۱۶؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۸۸/۲؛ بغوی، ۱۴۲۰ق: ۱/۱۷۳؛ شهرستانی، ۱۳۸۷ش: ۲/۶۳۸).

۱-۷-۲- دسته‌ی دوم (رویکرد صوفیانه): در این گروه، با گرایش بطنی و صوفیانه به شرح این کریمه پرداخته شده است. قشیری مشهورترین مفسر این دسته می‌باشد. وی معتقد است: «معنای آن: الزام و پایبندی به رنگ خدایی، دلیل نصب، تقدیر فعل بودن آن می‌باشد و نشانه این است که آنچه مهم است، اینکه حقیقت ثابت شود؛ نه آنچه بنده جمع کرده است. آنچه توسط مردم هزینه می‌شود، پایان آن نابودی آن است و آنچه بر اساس غریزه بر اساس آن ثابت شده، اثبات آن درس است، و قلب‌ها رنگی دارند، و روح‌ها رنگی، و اسرار یک رنگ، و ظواهر یک رنگ؛ به کمک توفیق الهی به رنگ‌آمیزی ظاهر، و با نور تحقیق، به رنگ‌آمیزی باطن و روح بپردازید» (قشیری، بی‌تا: ۱/۱۳۰).

۱-۷-۳- دسته‌ی سوم (رویکرد اجتهادی): در این دسته بزرگانی چون شیخ طوسی، امین‌الاسلام طبرسی و ابن شهر آشوب با کمک استدلال‌ها و تحلیل‌های عقلی و با اشاره به اقوال مختلف، به میثاق در عالم ذر نیز اشاره کرده و می‌نویسند: «صبغه-الله از «صبغ» یعنی رنگ‌آمیزی مأخوذ است. فرآء می‌گوید: این تعبیر به این جهت است که بعضی از نصاری نوزادان خود را در آب مخصوصی که «معمودیه» نامیده می‌شد، فرو می‌بردند و این عمل را تطهیر آن نوزاد می‌دانستند. نظر در این آیه به این نکته است که رنگ‌آمیزی خدا که همان فطرت پاک است، تطهیر شما است نه آن

تطهیری که آن‌ها گمان می‌کنند. فرّاء و بلخی می‌گویند: مراد از صبغة الله شریعت و آئینی است که یکی از مواد آن لزوم ختنه کردن است. ابوالعالیه و بعضی دیگر می‌گویند: منظور از صبغة الله فطرتی است که خداوند مردم را طبق آن آفریده است. وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً؛ کیست که از خداوند بهتر رنگ‌آمیزی کند؛ یعنی شریعت و آئینی مقرر نماید که مطابق فطرت باشد؟ این استفهام در مقام انکار است. یعنی هیچ‌کس نمی‌تواند بهتر از خداوند رنگ‌آمیزی کند. وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ؛ ما طبق رنگ توحید و ایمانی که خداوند ذاتاً و فطرتاً به ما بخشیده است، او را می‌پرستیم. یعنی بر ما لازم است که رنگ‌آمیزی خدا را بپذیریم و او را بپرستیم، نه رنگ‌آمیزی پدران و اجداد را. بعضی گفته‌اند منظور این است که ما خدا را به واسطه‌ی پیروی از ملت ابراهیم پرستش می‌کنیم (شیخ طوسی، بی‌تا: ۴۸۵/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴۰۷/۱؛ و ابن‌شهر آشوب، ۱۴۱۰ق: ۱۵۱/۱).

۱-۷-۴- دسته‌ی چهارم (رویکرد ادبی): شرح آیه با صبغه‌ی ادبی در این دوره به دو شاخه آراء تقسیم می‌شود: در شاخه‌ی اول، مفسرانی چون زمخشری و طبرسی در جوامع‌الجامع وجود دارند و در تفسیر آیه می‌نویسند: «صبغة» مصدر مؤکد (مفعول مطلق) است و منصوب به «آمَنَّا بِاللَّهِ» در آیه‌ی قبل می‌باشد. چنان‌که «وَعَدَ اللَّهُ» منصوب است به فعلی که بر آن مقدم و حذف شده است. «صبغة» از «صبغ» (یعنی رنگ‌آمیزی کرد) اخذ شده است، مانند «جلسة» که از «جلس» گرفته شده است. منظور از «صبغة» همان حالت و نحوه‌ی رنگ‌آمیزی است و به معنای تطهیر است؛ زیرا ایمان به خدا، نفس و روان انسان‌ها را پاکیزه می‌کند و این تعبیر به خاطر این است که در میان مسیحیان معمول بود که «نوزادان» خود را در آب زرد رنگی که «معمودیه» نامیده می‌شد، فرو می‌بردند و این عمل را تطهیر آن نوزاد می‌دانستند و آیه

ناظر به این نکته است که رنگ‌آمیزی خدا که همان فطرت پاک است، تطهیر مسلمانان است، نه آن تطهیری که آن‌ها گمان می‌کنند و هیچ رنگی از رنگ‌های خدایی بهتر نیست و نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ، عطف است بر جمله‌ی «آمَنَّا بِاللَّهِ» (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱/۹۶؛ طبرسی، ۱۳۷۷ش: ۱/۸۴). در شاخه‌ی دیگر این دسته، اعرابیونی مانند عبدالرحمن بن محمد ابن‌انباری و مکی بن ابی‌طالب حموش قیسی وجود دارند که در شرح علت منصوب بودن صبغه‌الله معتقدند که سه وجه وجود دارد؛ یکی منصوب به تقدیر فعل، یعنی تبعیت کنید رنگ‌های خدایی را. دوم منصوب به الاغراء، یعنی بر شما باد به پیروی و پایبندی به رنگ‌های الهی. سوم بدل از آیه‌ی «ملة ابراهیم»، یعنی آیین ابراهیم حنیف را پیروی کنید (ابن‌انباری، ۱۳۶۲ش: ۱/۱۲۵؛ حموش قیسی، بی‌تا: ص ۸۶).

#### ۱-۸- بررسی آراء مفسران سده‌ی هفتم تا دهم

این دوران که دوره‌ی رکود علوم اسلامی از جمله علوم تفسیر می‌باشد، در بیشتر آثار، مفسران با ذکر اقوال گذشتگان به معنی صبغه‌الله (دین اسلام)، فطرت، غسل، سنت از جمله ختنه، پرداخته‌اند، آن‌گاه به تحلیل لغوی همراه با جریان غسل تمهید مسیحیان و دلیل نصب بودن صبغه‌الله و لزوم پایبندی به قوانین شریعت اسلام نیز اشاره می‌نمایند. از مفسرانی که در این دسته قرار می‌گیرند، می‌توان به فخر رازی، بیضاوی، جرجانی، شبیبانی، قرطبی، ابوحنبل اندلسی، علی بن محمد خازن، محمد بن احمد محلی، سیوطی و ملافتح‌الله کاشانی اشاره کرد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۴/۷۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۱/۱۰۹؛ جرجانی، ۱۴۳۰: ۱/۱۶۱. شبیبانی، ۱۳۷۷ش: ۱/۲۱۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲/۱۴۴؛ ابوحنبل اندلسی، ۱۴۰۷ق: ۱/۱۴۳؛ خازن، ۱۴۱۵ق: ۱/۸۵؛ محلی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۴؛ سیوطی، ۱۴۰۹ق: ۱/۱۴۱؛ ملافتح‌الله کاشانی ۱۳۳۶ش: ۱/۳۰۸). البته برخی مفسران این سده، به استعاره‌ی موجود در آیه اشاره نموده و آن را دین‌الله

می‌دانند (ابن جزی غرناطی، ۱۴۱۶ق: ۹۹/۱؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق: ۳۲۴/۱). دیدگاه دیگر مطرح در این سده، رمزی و عرفانی بوده و به محی‌الدین ابن عربی تعلق دارد. ایشان در شرح این آیه می‌نویسند: «صِبْغَةَ اللَّهِ یعنی ایمان به خدای متعال و به رنگ الهی درآمدن؛ چون هر شخصی با اعتقاد و مظاهر باطنی خود، یعنی به رنگ اعتقاد، دین و فرقه‌اش رنگین می‌شود. بنابراین عبادت‌کنندگان به نیت خویش، رنگ‌آمیزی می‌شوند و مذهبیون به رنگ رهبر و پیشوای خود درمی‌آیند و حکما به رنگ و میزان عقل و تفکرشان و اهل هوا و بدعت به شکل و رنگ نفس‌شان می‌شوند و موحدان به رنگ الهی که بهترین رنگ‌هاست، درمی‌آیند. چنان که رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «به-درستی که خداوند متعال موجودات را در ظلمت آفرید، سپس به آن‌ها از نور خود پاشید. بنابراین هر که به آن نور مبتلا شود، هدایت می‌شود و هر که خطا کند، گمراه می‌شود». پس آن نور، رنگ و صبغه اوست» (ابن عربی، ۱۴۲۲ق: ۵۶/۱).

### ۹-۱- بررسی آراء مفسران سده‌ی یازدهم و دوازدهم

همان‌طور که ذکر شد، در این دو قرن، احیای مجدد تفاسیر روایی صورت پذیرفت. در قرن یازدهم دو تفسیر مهم صافی فیض کاشانی و شریف لاهیجی به نگارش درآمد. با شروع قرن دوازدهم نگارش تفاسیر نقلی اوج گرفت و کتب مشهوری مثل نورالثقلین و البرهان و کنزالدقائق و روح‌البیان نوشته شد. با تعمق در تفاسیر این دوره، می‌توان آن را به دو گروه تقسیم نمود:

۹-۱-۱- مفسران شیعه: با ذکر روایات از امام صادق (ع) «صِبْغَةَ اللَّهِ» را فطرت

الهی و دین اسلام دانسته و به زینت دادن و رنگ مؤمنین به ولایت ائمه‌ی اطهار (ع) در عالم میثاق و نیز به غسل معمولی‌ی اطفال مسیحیان در آب زرد، اشاره می‌نمایند و

می‌نویسند: صبغنا الله صبغة و هي فطرت الله التي فطر الناس عليها و چون نصاری اطفال خود را به آب زرد غوطه می‌دادند و می‌گفتند که این آب، پاک‌کننده‌ی مولود است از غیر دین مسیح، حق تعالی به طریق مشاکله می‌فرماید: صِبْغَةَ اللَّهِ اِیْ قَوْلِهَا صِبْغَةَ اللَّهِ صِبْغَةَ، بنابراین «صبغة‌الله» مفعول مطلق فعل محذوف است و داخل در مقول قول است و تأکید بر «آمنا بالله» می‌کند. یعنی بگویند که ایمان آوردیم به خدای تعالی و مؤکد ایمان ما است، اینکه محلی ساخت ما را خدای تعالی به حلیه‌ی دین خود که آن دین مبین است و اثر آن در ما ظاهر است؛ چنانچه اثر رنگ در ثوب ظاهر و نمایان است. تفسیر «صبغة‌الله» به دین اسلام مروی از حضرت صادق علیه‌السلام و حامل این روایت کتاب کافی و معانی‌الاجبار است. در کافی از آن حضرت روایت کرده که مراد از «صبغة‌الله» زینت دادن خدای تعالی است مر مؤمنان را، به زیور تصدیق ولایت ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام در روز میثاق» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۱۹۳/۱؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳ش: ۱/۱۲۲؛ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱/۱۳۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۱ف/۳۳۸؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: ۲/۱۶۹).

۱-۹-۲- مفسران اهل سنت: دیدگاه این گروه بر این است که صبغة‌الله، همان چیزی است که لباس را با آن رنگ می‌کند و مصدر مؤکد (مفعول مطلق) برای «آمنا بالله» است و مانند جلسه از «جلس» آمده است و مستعار (وام گرفته شده) برای «فطرة الله التي فطر الناس عليها» می‌باشد که با آن مردم با انواع عبادات و ایمان به شخصیت خوب و سلیمی تبدیل می‌شوند؛ مانند رنگ‌آمیزی لباس (حقی برسوی، بی‌تا: ۱/۲۴۳؛ قونوی، ۱۴۲۲ق: ۴/۲۸۶). مشاهده می‌شود که دیدگاه مفسران شیعه از اهل سنت کاملاً متمایز و جدا می‌شود.

### ۱-۱۰-۱- بررسی آراء مفسران سده‌ی سیزدهم و چهاردهم

درباره‌ی ویژگی‌های تفاسیر این دوره، در فصل قبل سخن رفت. در مورد این آیه‌ی شریفه، آرای تفسیری به قرار زیر است:

#### ۱-۱۰-۱-۲- دیدگاه اول: وجود استعاره در آیه

گونه‌ی اول، آرای تفسیری در مورد این کریمه، از آن مفسرانی مانند آلوسی می‌باشد که با استفاده از تحلیل‌های عقلی، به وجود استعاره‌ی تصریحیه و قرینه‌ی اضافه در صبغه‌الله معتقد هستند: «در صِبْغَةَ اللَّهِ صبغة به کسره، مصدری از فعل «صبغ» مانند الجلسة من «جلس» و حالتی است که رنگ شدن و تطهیر به ایمان، در آن اتفاق می‌افتد و تأثیر آن مانند اثر رنگ بر ظاهر و درون شیء نمایان می‌شود و آن را به یک زینت برای آن‌ها تبدیل می‌کند و در اینجا یک استعاره‌ی تحقیقیه‌ی تصریحیه به قرینه‌ی اضافه وجود دارد؛ فهناک استعارة تحقیقیة تصریحیة و القرینة الإضافة» (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۱/۳۹۵). برخی نیز اطلاق صبغه به ایمان را استعاره (مجاز) به علاقه‌ی مشابهت می‌دانند: «فإطلاق الصبغة على الإيمان استعارة علاقتها المشابهة» (ابن عاشور، بی تا: ۱/۷۲۴).

#### ۱-۱۰-۱-۲- دیدگاه دوم: ذکر اقوال گذشتگان

از مفسران این دسته می‌توان به مظهري، شوکانی و عاملی (مظهري، ۱۴۱۲ق: ۱/۱۳۷؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق: ۱/۱۷۱؛ عاملی، ۱۳۶۰ش: ۱/۱۹۵) اشاره نمود.

#### ۱-۱۰-۱-۳- دیدگاه سوم: تفاسیر با رویکرد شیعی

در این دسته، علمای شیعه به شرح آیه مطابق با روایات منقول از امامان معصوم (ع) و با کمک تحلیل‌های عقلی می‌پردازند و در تفسیر آیه با اشاره به حدیثی از امام صادق (ع)، صبغه‌الله را دین و فطرت الهی و مصداق اتم آن را ولایت اهل بیت (ع) در

عالم ذر می‌داند. برای نمونه، سید محمد ابراهیم بروجردی در شرح آیه می‌نویسد: «... مؤمنین در عالم ذر، رنگ ایمان به ولایت ائمه (ص) به خود گرفتند» (بروجردی، ۱۳۶۶ش، ۱/۲۶۵). از دیگر مفسران این دسته می‌توان به عبدالله شبر (شبر، بی‌تا: ۱/۶۰)، محمدجواد بلاغی (بلاغی، بی‌تا: ۱/۱۳۱) و حسین شاه‌عبدالعظیمی (شاه-عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش: ۱/۲۶۷) اشاره نمود.

#### ۱-۱۰-۴- دیدگاه چهارم: رویکرد اجتماعی و عصری

در این دسته، مفسران با گرایش اجتماعی قرار دارند که مطابق اندیشه‌ی عصر خود به شرح آیه می‌پردازند و می‌نویسند: «صبغة‌الله، با اعراب فتحه، بیانی برای ملت ابراهیم یا مفعول فعل محذوف، مانند: نرید و نتبع است و با اعراب ضمه، خبر از برای «هی یا تلک» می‌باشد. منشأ اختلاف و امتیاز افراد و قبائل و ملل، عقاید و سنی است که به رنگ دین و آئین زندگی در می‌آید؛ تعصبات و غریزه امتیازجویی؛ هر چه بیشتر، این گونه ممیزها را پررنگ می‌سازد. این رنگ‌های ممیز، مانند رنگ‌های اجسام طبیعی است که به حسب ساختمان هر جسمی نور بسیط را تجزیه می‌کند و به صورت رنگ مخصوص و ممیز خود می‌گرداند. ملل و پیروان ادیان هم باید مانند پیامبران و پیشروان، تسلیم نور مطلق حق شوند؛ اگر تسلیم نشدند و آئین خدایی را در نفسیات شخصی و قومی خود تحلیل بردند و تجزیه کردند؛ رنگی که به نام آئین به خود می‌گیرند، رنگ خدایی نیست. این رنگ‌های خودساخته ناشی از نفسیات آنان می‌باشد... که نه جمال و کمالی دارد، نه ثبات و بقایی؛ زیرا این گونه رنگ‌های فردی و قومی، انعکاسی از تقالید و اوهام افراد و اقوام و در معرض تغییر و زوال است و پیوسته اختلاف‌انگیز و گمراه‌کننده می‌باشد. هدایت و توحید در پیروی از ملت ابراهیم و تسلیم وجه نفس به خداوند است که انعکاس نور خدا و رنگ‌آمیزی خدایی را

می‌نمایند» (طالقانی، ۱۳۶۲ش: ۱/۳۱۸). از دیگر مفسرانی که با این شیوه به شرح این کریمه پرداخته‌اند، می‌توان از مراغی (مراغی، بی تا: ۱/۲۲۶)، سیدقطب (سیدقطب، ۱۴۱۲ق: ۱/۱۱۸) و محمد رشیدرضا (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق: ۱/۴۸۶) نام برد.

#### ۱-۱۰-۵- دیدگاه پنجم: رویکرد تحلیلی

در این دسته مفسرانی مانند گنابادی و خسروانی وجود دارند که یکی در شرح آیه می‌نویسد: «صِبْغَةَ اللَّهِ: خدا ما را رنگ‌آمیزی کرده است چه رنگ‌آمیزی کردنی! در این عبارت، فعل حذف گشته و مصدر پس از تأخیر فاعل به فاعل اضافه شده است و جمله حال یا جمله مستأنف است که پاسخ از پرسش مقدر باشد و معنی چنین است که گویا پس از آن که گفتند: ما به خدا ایمان آوردیم، به آنان گفته شد: خداوند با شما چه کرد؟ در پاسخ گفتند: خداوند به رنگ ایمان ما را رنگ‌آمیزی نمود، اما رنگ، به اسلام و ایمان تفسیر شده است. زیرا رنگ همان طور که بر لباس ظاهر می‌شود و در آن نفوذ می‌کند، اثر اسلام و ایمان نیز بر بدن ظاهر شده و در قلب اثر می‌گذارد» (گنابادی، ۱۴۰۸ق: ۱/۱۴۸). دیگری معتقد است: «صِبْغَةَ: فعلته: از صِغِغِ یَصِغِغِ مانند جلسه از جلوس ای فطرة الله التي فطر الناس عليها، و این فطرت حلیه و زینت انسان است؛ چنان که رنگ زینت لباس است «وَمَنْ أَحْسَنُ» من استفهام انکاری است؛ یعنی لا صبغة احسن من صبغة الله» (خسروانی، ۱۳۹۰ش: ۱/۱۸۱).

#### ۱-۱۱- بررسی آرای مفسران سده‌ی پانزدهم

در قرن اخیر، تفسیر به شیوه‌ی عصری متداول شده است. مهم‌ترین آرای تفسیری مربوط به این آیه به قرار زیر است:



۱-۱۱-۲- دیدگاه اول: گونه‌ی تحلیلی اجتماعی

در قرن معاصر (پانزدهم) حدود ۶۶ تفسیر (پایگاه جامع قرآنی: quran.inoor.ir) در مورد این آیه وجود دارد که حدود نیمی از آن به شیوه‌ی تحلیلی، اجتماعی یا کلامی به شرح این آیه پرداخته‌اند. مفسران بزرگی مانند علامه فضل‌الله در بیان آیه می‌نویسند: «در آیه صِبْغَةَ اللَّهِ این ایمان است که به مالک خود رنگی متمایز می‌بخشد و خود را با شخصیت خود در تمام خصوصیاتش نقش می‌بندد؛ همان طور که هنگام چاپ لباس یا بدن رنگ‌آمیزی می‌شود و تمام قسمت‌های آن را رنگ می‌کند. وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً، زیرا او خالق است که به انسان موجودیت می‌بخشد و بهترین امتیازات اخلاقی و معنوی را که به او حسن و درخشندگی می‌بخشد، اعطا می‌کند. وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ؛ و آنها از روشی پیروی می‌کنند که حق تعالی می‌خواست ما در زندگی در تأیید معنای بندگی خود نسبت به او پیروی کنیم. این رمز توحید و فطرتی است که با اسلام در تمام افشاگری‌ها و رنگ‌هایش در روح فرومی‌رود و این در مقابل کسانی که صباغ (رنگ‌آمیزی) را یک امر مادی می‌دانند، مانند غسل تعمید مسیحیان، برای ورود انسان به دین خدا» (علامه فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۳/۴۷۳). از دیگر مفسرانی که به این شیوه به شرح آیه پرداخته‌اند، می‌توان افراد زیر را نام برد: علامه مدرسی (۱۴۱۹ق: ۱/۲۶۴)، خطیب (۱۴۲۴ق: ۱/۱۴۷)، کرمی (۱۴۰۲ق: ۱/۱۷۸)، حوی (۱۴۲۴ق: ۱/۲۸۱)، زحیلی (۱۴۱۸ق: ۱/۳۲۹)، حسینی شیرازی (بی‌تا: ۱/۱۸۴)، موسوی سبزواری (بی‌تا: ۲/۷۳)، نریمانی (بی‌تا: ۷۱)، صادقی تهرانی (۱۳۷۷ش: ۲۱)، طیب (۱۳۷۴ش: ۲/۲۱۸)، کریمی حسینی (۱۳۸۲ش: ۲۱)، جزایری (۱۴۱۶ق: ۱/۱۲۱)، حسینی همدانی (۱۴۰۴ق: ۱/۳۷۵)، طنطاوی التفسیرالوسیط (۱۹۷۷ق: ۲۸۶/۱)، جعفری (۱۳۷۶ش: ۱/۳۶۶)، شعراوی (بی‌تا: ۱/۶۱۲)، صابونی (۱۴۲۱:

۸۸/۱)، زین (۱۴۲۵ق:۱/۱۰۲)، قرشی (۱۳۷۷ش: ۱/۲۵۷) و طه دره (۱۴۳۰ق: ۳۳۱/۱). برای نمونه، دو دیدگاه تفسیری، حول این آیه‌ی کریمه را می‌آوریم؛ اولی می‌نویسد: «اسلام کیمیایی ماند که مس وجود انسانی را تبدیل بطلا می‌نماید و اینکه از اسلام تعبیر برنگ خدایی نموده شاید برای این است که همین طوری که رنگ سبب ظهور اشیاء می‌شود و هر چیزی برنگ شناخته می‌شود، همین طور بایستی رنگ اسلام و آثار اسلامی بر هر مسلمانی ظاهر باشد» (بانوامین، ۱۳۶۱ش: ۲/۹۹). دومی معتقد است: «قرآن فرمان می‌دهد همه رنگ‌های نژادی و قبیله‌گی و سایر رنگ‌های تفرقه‌انداز را از میان بردارند و همگی به رنگ الهی در آیند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۱/۴۷۳).

#### ۱-۱۱-۳- دیدگاه دوم: توضیح اعراب آیه

دسته‌ی دوم مفسران به تحلیل صرفی و نقش اعراب کلمات در این کریمه می‌پردازند. در این دسته، افرادی مانند محی‌الدین درویش، محمود صافی، دعاس، حمیدان، قاسم، عبدالواحد بهجت صالح، محمدجعفر کرباسی و عبدالله بن ناصح علوان قرار می‌گیرند (درویش، ۱۴۱۷ق:۱/۱۹۷؛ صافی، ۱۴۱۸ق:۱/۲۸۰؛ دعاس، حمیدان، قاسم: ۱۴۲۵ق:۱/۵۸؛ صالح، بی‌تا: ۱/۱۷۵؛ کرباسی، ۱۴۲۲ق:۱/۱۸۶؛ علوان، ۱۴۲۷ق:۱/۱۱۰).

#### ۱-۱۱-۴- دیدگاه سوم: رویکرد روایی

در این دسته، مفسران به نقل قول و ذکر اخبار مأثور، چه روایات تفسیری ائمه‌ی اطهار (ع) و چه اخبار رسیده از صحابه و تابعان، می‌پردازند. مفسرانی چون محمدهادی معرفت، عبدالله محمود شحاته، ماجد ناصر زبیدی، محمد ثقفی تهرانی و محمود یوسفی غروی در این دسته قرار دارند (معرفت؛ ۱۳۸۷ش: ۴/۱۱۲؛ شحاته، ۱۴۲۱ق:۱/۱۸۷؛ زبیدی، ۱۴۲۸ق:۱/۲۰۳؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ش: ۱/۱۷۸؛ یوسفی غروی، ۱۳۷۲ش، ص ۴۷).

۱-۱۱-۵- دیدگاه چهارم: رویکرد تدبیری و بیان نکات کاربردی

این دسته از مفسران به تحلیل و تدریج آیات، جهت کسب نکات تربیتی و کاربردی می‌پردازند؛ مثلاً مفسری در شرح این آیه به نکات و پیام‌های زیر اشاره می‌کند: «نکته‌ها: انسان در زندگی خویش باید رنگی را بپذیرد، اما در میان همه رنگ‌ها، رنگ خدایی بهتر است. ناگفته پیداست که تا رنگ نژاد و قبیله و هوس‌ها را کنار نگذاریم، رنگ وحدت و برادری و تسلیم امر خدا بودن را نخواهیم گرفت. همه‌ی رنگ‌ها به مرور زمان کم‌رنگ و بی‌رنگ می‌شود، اما رنگ خدایی همیشگی و پایدار است. بهترین رنگ آن است که صفا و بقا داشته و چشم اولیای خدا را به خود جلب کند. هم‌رنگ با فطرت و منطقی بوده، مشتری آن خدا، و بهای آن بهشت باشد. همه‌ی رنگ‌ها پاک می‌شوند، قبیله، نژاد و نسب، دیر یا زود از بین می‌روند، ولی آنچه ابدی و باقی است همان رنگ و صبغه‌ی الهی یعنی اخلاص و ایمان است» و «پیام‌ها: ۱- ایمان به خدا، پیامبران، کتاب‌های آسمانی و تسلیم خدا بودن، صبغه و رنگ خدایی است. ۲- برترین و زیباترین رنگ‌ها، صبغه و رنگ الهی است. «وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً» ۳- باید تنها بنده خدا بود، نه بنده‌ی دیگران» (قرائتی، ۱۳۸۳ش: ۱/۲۱۴). مفسر دیگری به این نکات اشاره می‌کند: «۱- در میان مسیحیان معمول بود که فرزندان نوزاد خود را «غسل تعمید» می‌دادند و گاهی ادویة مخصوصی که زردرنگ بود به آب اضافه می‌کردند و می‌گفتند: این غسل، به ویژه با این رنگ خاص، باعث تطهیر نوزاد از گناه ذاتی‌اش می‌شود که از آدم به ارث برده است. قرآن بر این مطلب بی‌اساس خط بطلان می‌کشد و با تعبیری بسیار لطیف و زیبا و کنایی می‌فرماید: تنها رنگ خدایی را بپذیرید که همان رنگ ایمان، توحید خالص و اسلام است. ۲- خداوند جسم نیست تا

رنگ داشته باشد. منظور از رنگ خدا، رنگ بی‌رنگی، رنگ مساوات و عدالت، رنگ برابری و برادری، رنگ وحدت، رنگ پاکی، رنگ توحید و اخلاص است که در پرتو آن، همه‌ی رنگ‌های نژادی، خرافات، نفاق و شرک حذف می‌شود. پذیرش رنگ خدایی، روح و جان را از آلودگی‌ها پاک می‌کند و در حقیقت، این همان بی‌رنگی و حذف همه‌ی رنگ‌هاست» (رضایی، ۱۳۸۷ش: ج ۱، ص ۴۱۶). از دیگر علمایی که به این شیوه به تفسیر و شرح آیه پرداخته‌اند، می‌توان به وهبه زحیلی (۱۴۱۸ق: ۶۲/۱)، محمد محمود حجازی (۱۴۱۳ق: ۷۹/۱) و محمدامین ارمی علوی (بی‌تا: ۳۲۵/۲) اشاره نمود.

#### ۱-۱۱-۶- دیدگاه پنجم: دیدگاه جامع

در این دسته، مفسر به بیان شأن نزول، مفردات، اعراب، تناسب آیات، شرح و تحلیل و در آخر، بحث روایی را می‌آورد. از این دسته در قرن اخیر به علامه طباطبایی و جوادی آملی می‌توان اشاره نمود که یکی در شرح آیه می‌نویسد: «مراد از «صبغ‌الله» دین اسلام است؛ تعبیر از دین خدا به «صبغه» ممکن است استعاره باشد. مصحح و داعی چنین مجاز و استعاره‌ای صنعت بدیعی «مشاکله» است، زیرا اهل کتاب، فرزندان خود را به عنوان «غسل تمهید» در آبی رنگین شست‌و‌شو می‌دهند، به این گمان که با این غسل طاهر می‌شوند. خدای سبحان در برابر آن فرمود: رنگ بی‌رنگی خدایی را بگیرد که انسان را از هر رنگ و آلودگی پاک می‌کند. همان‌گونه که آثار رنگ بر بدن نمایان می‌شود، آثار و نشانه‌های اسلام و ایمان نیز در شئون زندگی ظهور می‌کند. یکتاپرستی و توحید و تسلیم در برابر خداوند و ایمان به معارف بلند انبیاست که می‌تواند بشر را از آلودگی‌ها تطهیر کند و بهترین و زیباترین رنگ و زینت را به او ببخشد» (جوادی آملی، ۱۳۷۸ش: ۲۵۱/۷).

## ۱-۱۲- کارکردها

در سده‌های متقدم، تفسیر دارای کارکردهای استنادی بود؛ یعنی متکلمین و فقها برای اثبات عقاید مذهب خویش یا استخراج و اثبات احکام و فتوای مورد نیاز، به آیات قرآن استناد می‌کردند (پاکتچی، ۱۳۹۲ش: ص ۱۱۱). مثلاً از این آیه علمای مسلمین برای اثبات حقانیت دین مبین اسلام در برابر یهود و مسیحیت استفاده می‌کردند. به تدریج و با بالا گرفتن دعوا و اختلاف بین شیعه و سنی، مفسران و متکلمان شیعه برای اثبات و دفاع از حقانیت ولایت امیرالمومنین علی (ع) و ائمه‌ی اطهار (ع) به روایات تفسیری آیه توجه نموده و آن را تحلیل و مورد استناد قرار می‌دادند. در قرون اخیر و با پیدایش گرایش‌های اجتماعی و تربیتی، می‌توان از این کارکردها نام برد:

### ۱-۱۲-۱- آثار و کارکردهای اجتماعی و عصری

از کارکردهای اجتماعی و عصری آیه می‌توان موارد زیر را نام برد:

- ترک اختلاف نژادی، قبیله‌ای یا سرزمینی و دعوت به وحدت و یکپارچگی

- پرهیز از شرک و نفاق و دورویی

- ترک خرافات و ظاهرگرایی

- دعوت به مساوات، عدالت و برادری

- پرهیز از انجام ظاهری مناسک و لزوم توجه به عمق و حکمت آن‌ها

### ۲-۱۲-۲- پیام‌های هدایتی و تربیتی آیه

- دعوت به آیین ناب و حیانی که امروزه در اسلام متجلی شده است.

- دعوت به اخلاص در نیت و عمل

- برپایی توحید عملی با انجام فرایض و عبادات

- تطهیر جان و روح با معارف عمیق و متعالی اسلام و تثبیت و تعمیق این تعالیم

- بندگی و تسلیم محض در برابر خداوند سبحان

### ۳- تحلیل و نتایج

نتایج نشان می‌دهد، این تغییر و تطور آرای تفسیری درباره‌ی «صبغه‌الله» در این آیه‌ی شریفه به قرار زیر می‌باشد:

۱- ابتدا در تفاسیر نخستین، به نقل از صحابه و تابعان، با ذکر جریان غسل معمودیه‌ی مسیحیان، صبغه را به «اسلام» معنا نموده است. در تفاسیر متأثر اهل سنت به «اسلام»، «فطرت»، «سنن از جمله ختنه» و تقوی الهی اشاره شده و در تفاسیر متأثر شیعیان به «اسلام» و «تزیین مؤمنین به ولایت امام در عالم میثاق» ترجمه و معنا شده است. آن‌گاه در تفاسیر قرن پنجم و ششم (طوسی، زمخشری، طبرسی، ابن شهر آشوب، فخر رازی) با کمک استدلال‌ها و تحلیل‌های عقلی و ادبی با اشاره به اقوال مختلف، صبغه را فطرت یا تطهیر به واسطه‌ی ایمان به اسلام می‌دانند و در تفاسیر شیعیان به میثاق ولایت در عالم ذر نیز اشاره می‌نمایند. بعد در قرون میانه، مفسران عارف مثل ابن عربی، صبغه را باطن و حقیقت مذهب دانسته و مسلمین را به نیت و درون پاک و توحیدی دعوت می‌نمایند. دیگر مفسران میانه، مانند بیضاوی، جرجانی، قرطبی، ابوحنیفه اندلسی، سیوطی و ملافتح‌الله کاشانی، صبغه را دین اسلام، فطرت، غسل، سنت (از جمله ختنه) می‌دانند.

۲- با احیا و گسترش تفاسیر متأثر در قرن یازدهم و دوازدهم، تفاسیر روایی شیعه از اهل سنت کاملاً جدا و متمایز گردید. شیعیان برای نشان دادن حقانیت مذهب خود، «صبغه‌الله» را به اسلام و ولایت امام تطبیق دادند، اما اهل سنت به ذکر اخبار منقول از صحابه و تابعان بسنده نمودند. در قرون متأخر، در کنار نقل قول از گذشتگان،

تحلیل‌های اجتهادی یا عقلی به رویکرد عصری و تدبر و بیان نکات تربیتی از آیه نیز توجه گردید و به پیام‌های آیه، مانند ترک اختلاف نژادی و قبیله‌ای، دعوت به عدالت و برادری، پرهیز از شرک، نفاق و خرافات و لزوم تطهیر جان با معارف اصیل و عالی اسلام، اشاره نمودند. البته در قرن اخیر، تفسیر عصری گسترش زیادی یافته و انواع گرایش‌های تفسیری مشاهده می‌شود و در شرح این آیه دیدگاه‌های مختلفی، از جمله روایی و نقل قول از گذشتگان، بیان اعراب آیه و توضیح آن، اجتهادی و عقلی، تدبری و بیان نکات تربیتی و رویکرد جامع مشاهده می‌شود.

۳- نکته‌ی دیگر که از سده‌ی نخست تاکنون مورد بررسی و اختلاف نظر مفسران قرار گرفته، دلیل نصب و مفتوح بودن «صبغه» در آیه‌ی کریمه می‌باشد. برخی علت آن را معطوف شدن به آیه‌ی «قولوا آمنا» (بقره/۱۳۶) و عامل نصب را همان «آمنا بالله» می‌دانند (دعاس، حمیدان، قاسم، ۱/۱۴۲۵:۵۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق:۱/۱۹۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق:۴/۸۸). برخی دیگر، عامل نصب را بدل تفسیری بودن آن برای «ملة ابرهیم» (بقره/۱۳۵) می‌دانند: «یعنی بر ما لازم است رنگ‌آمیزی خدا را بپذیریم و خدا را به واسطه‌ی پیروی از ملت ابراهیم، عبادت نماییم «بل اتبعوا ملة ابراهیم حنیفا» (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۱/۴۰۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲/۱۸۹). دیدگاه دیگر این است که «صبغه الله» منصوب به اغراء می‌باشد؛ یعنی اتبعوا و الزموا صبغة الله.

۴- جمع‌بندی نهایی نشان از چند رویکرد در شرح آیه می‌باشد: ۱- رویکرد روایی و مأثور ۲- رویکرد ادبی ۳- رویکرد بطنی و عرفانی ۴- رویکرد اجتهادی و عقلی ۵- رویکرد عصری، تدبری و تربیتی که به نوعی هر یک در جای خودش صحیح می‌باشد و معمولاً در تفاسیر جامع مثل المیزان و تسنیم، همه‌ی شیوه‌ها وجود داشته و قابل جمع نشان داده شده است که بر این اساس هر کدام از معانی اسلام،

فطرت، سنت الله (ختنه)، باطن تعالیم، شعائر دین، ایمان و تزیین ولایت ائمه‌ی اطهار (ع) در میثاق، همگی با هم قابل جمع هستند؛ چرا که برخی مصداق یا جزئی از اسلام می‌باشند.

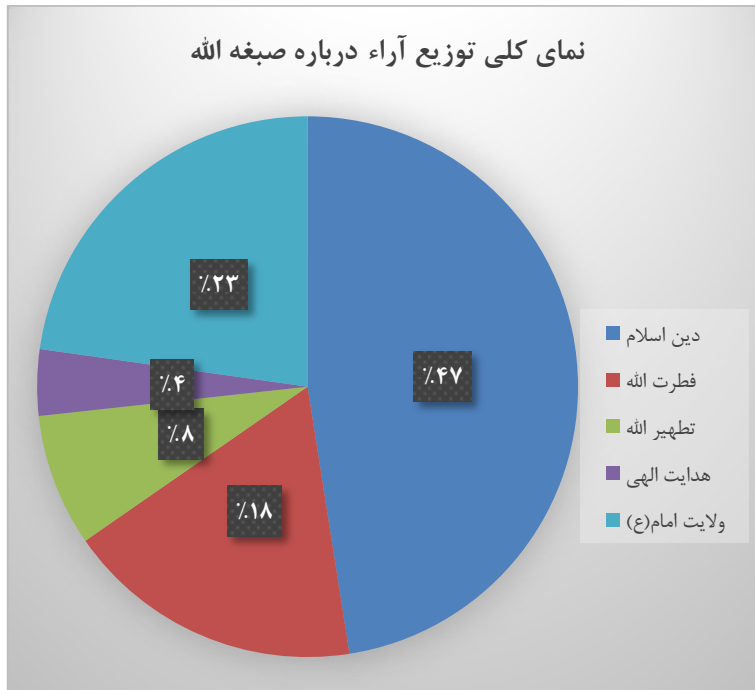
۵- همچنین از دقت در آرای مفسران متوجه می‌شویم که اکثراً به جریان غسل تعمید اهل کتاب اشاره نموده و آن‌گاه به معنای «صبغه‌الله» پرداخته و آیه را شرح نموده‌اند؛ یعنی از «رنگ آب» به عنوان پل ارتباطی و مفهوم مشترک بین تعمید و واژه‌ی صبغه استفاده کرده و رنگ و رنگ‌آمیزی به ایمان را به عنوان مفهوم پایه‌ی صبغه قبول نموده‌اند. البته برخی مفسران مانند آلوسی و ابن‌عاشور و علامه جوادی آملی آن را از باب استعاره یا مجاز می‌دانند و معتقدند که تعبیر از دین خدا به «صبغه» از صنعت «مشاکله» می‌باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که «رنگ بی‌رنگی‌الله» که همان «دین اسلام» و به دنبال آن «ولایت امام» به عنوان مصداق کامل آن قرار دارد را می‌توان به عنوان بهترین و کامل‌ترین معنا برای «صبغه‌الله» انتخاب نمود.

#### ۶- جدول و نمودار

جدول کلی توزیع آرای تفسیری درباره‌ی صبغه‌الله

| آرای تفسیری | دین اسلام | فطرت الله | تطهیر الله | هدایت الهی | ولایت امام (ع) |
|-------------|-----------|-----------|------------|------------|----------------|
| فراوانی     | ۴۸        | ۱۸        | ۸          | ۴          | ۲۳             |





برداشت از جدول و نمودار

جدول و نمودار نشان می‌دهد که بیشترین آراء و دیدگاه مفسران درباره‌ی مفهوم «صبغه‌الله» بر «دین اسلام» تعلق داشته است. آنگاه «ولایت امام» و سپس «فطرت الله» قرار دارد و این برداشت، تحلیل و جمع‌بندی موجود در قسمت نتایج را تأیید می‌نماید. یعنی به نظر می‌رسد که «رنگ بی‌رنگی‌الله» که همان «دین اسلام» و به دنبال آن «ولایت امام» به عنوان مصداق کامل آن قرار دارد را می‌توان به عنوان بهترین و کامل‌ترین معنا برای «صبغه‌الله» انتخاب نمود.

\*\*\*\*\*

## کتابنامه

- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، عربستان: مکتبه نزار مصطفی البارز.
- ابن انباری، عبدالرحمن (۱۳۶۲ش). البیان فی غریب اعراب القرآن، قم: دارالهجره.
- ابن جزى غرناطی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق). کتاب التسهیل لعلوم التنزیل، شرکت دارالارقم.
- ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالکتاب العربی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق). متشابه القرآن و مختلفه، قم: انتشارات بیدار.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). التحریر و التئور، بیروت: موسسه ی تاریخ عربی.
- ابن عجبیه، احمد بن محمد (۱۴۱۹ق). البحرالمدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره: دکتر حسن عباس زکی.
- ابن عربی، محیی الدین محمد (۱۴۲۲ق). تفسیر ابن عربی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۰۱). غریب القرآن، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- ابن کنیر، اسماعیل (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابوالفتوح رازی (۱۴۰۸). حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۰۷ق). تفسیر النهر الماد من البحر المحیط، بیروت: دارالجنان.
- ابوعبیده، محمد بن منی (بی تا). مجاز القرآن، قاهره: مکتبه الخانجی.
- ارمی علوی، محمدا مین (بی تا). تفسیر حدائق الروح و الریحان فی روابی علوم القرآنی، بیروت: دار طرق النجاه.
- امین، سیده نصرت اصفهانی (۱۳۶۱ش). مخزن العرفان در تفسیر القرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان.

## صبغه الله در آيينه‌ی تاريخ / مينا شمخي ۱۳۱

- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم (۱۳۶۶ش). تفسیر جامع، تهران: انتشارات صدر.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق). تفسیر بغوی (معالم التنزیل)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بلاغی، محمدجواد (۱۴۲۰ق). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بیانی، شیرین (۱۳۷۹ش). مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، تهران: انتشارات سمت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). انوارالتنزیل و اسرارالتاویل (تفسیر بیضاوی)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- پارسا، فروغ (۱۳۹۲ش). تفاسیر شیعه و تحولات تاریخی ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۲ش). تاریخ تفسیر قرآن، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- تستری، ابو محمد سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق). تفسیر تستری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق). جواهرالحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). الکشف و البیان (تفسیر ثعلبی)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق). تفسیر روان جاوید، تهران: انتشارات برهان.
- جرجانی، حسین بن حسن (۱۳۳۷-۱۳۴۱). تفسیر گازر، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، تهران: بی‌نام.
- جرجانی، عبدالقاهر، (۱۴۳۰ق). درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، عمان: دارالفکر.
- جزایری، ابوبکر جابر (۱۴۱۶ق). ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، مدینه منوره: مکتبه العلوم و الحکم.
- جعفری، یعقوب (۱۳۷۶ش). تفسیر کوثر، قم: انتشارات هجرت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش). تفسیر تسنیم، جلد ۷، قم: مرکز نشر اسراء.
- حجازی، محمدمحمود (۱۴۱۳ق). التفسیر الواضح، بیروت: دارالجلیل.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسایل الشیعه، قم: موسسه‌ی آل بیت (ع).

- حسینی شیرازی، سید محمد (بی تا). تقریب القرآن الی الاذهان، بی جا.
- حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴ق). انوار درخشان در تفسیر القرآن، تهران: کتابفروشی لطفی.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا). روح البیان، بیروت: دارالفکر.
- حموش قیسی، مکی بن ابی طالب (بی تا). مشکل اعراب القرآن، بی جا.
- حوی، سعید (۱۴۲۴ق). الاساس فی التفسیر، قاهره: دارالسلام.
- خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵ق). تفسیرالخازن (الباب تاویل فی معانی التنزیل)، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خسروانی، علیرضا (۱۳۹۰). تفسیر خسروی، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق). التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دار الفکر العربی.
- دروزه، محمد عزه (۱۴۲۱ق). التفسیر الحدیث، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- درویش، محیی الدین (۱۴۱۵ق). اعراب القرآن و بیانه، دمشق: دار الرشاد.
- دره، محمدعلی (۱۴۳۰ق). تفسیر القرآن الکریم و اعرابه و بیانه، بیروت: دار ابن کثیر.
- دعاس حمیدان، قاسم (۱۴۲۵ق). اعراب القرآن الکریم. دمشق: دارالمنیر و دارالفارابی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، چاپ: اول.
- رشیدرضا، محمد (۱۴۱۴ق). تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار)، بیروت: دارالمعرفه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی و جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۷ش). تفسیر مهر، قم: دفتر پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
- زیبیدی، ماجد ناصر (۱۴۲۸ق). التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایه اهل بیت، بیروت: دار المحجه البیضاء.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دمشق: دارالفکر.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
- زید بن علی بن حسین (۱۴۱۲ق). تفسیر الشهد زین بن علی، بیروت: الدار العلمیه.
- زین، محمدفاروق (۱۴۲۵ق). بیان النظم فی القرآن، دمشق: دارالفکر.
- سبزواری، محمد (۱۴۱۹ق). ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- سلمی، محمد بن حسین (۱۳۶۹ش). حقائق التفسیر (تفسیر سلمی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

## صبغه الله در آيينه‌ی تاريخ / مينا شمخی ۱۳۳

- سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق). تفسير السمرقندی، ج ۱، بيروت: دارالفکر.
- سمعانی، منصور بن محمد (بی تا). تفسير السمعانی، بيروت: دارالکتب العلمیه.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- سید بن قطب، ابراهیم (۱۴۱۲ق). فی ظلال القرآن، بيروت: دارالشروق.
- شاه‌عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳ش). تفسير اثني عشری، ج ۱، تهران: میقات.
- شبر، سید عبدالله (۱۴۰۷ق). الجوهر الثمین فی تفسير الكتاب المبین، کویت: مکتبه الافین.
- شبر، عبدالله (بی تا). تفسير القرآن الکریم، قم: دارالهجره.
- شحاته، عبدالله محمود (۱۴۲۱ق). تفسير القرآن الکریم، قاهره: دارغریب.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳ش). تفسير شریف لاهیجی، تهران: نشر داد.
- شعراوی، محمد متولی (بی تا). تفسير الشعراوی، بيروت: اخبار اليوم.
- شوکانی، محمد (۱۴۱۴ق). فتح‌القدیر، دمشق: دار ابن کثیر.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۸۷ش). تفسير الشهرستانی (مفاتیح‌الاسرار و مصابیح‌الابرار)، تهران: مرکز البحوث و الدراسات.
- شیبانی، محمد بن حسن (۱۳۷۷ش). نهج‌البیان عن کشف معانی القرآن، قم: نشر الهادی.
- صابونی، محمد علی (۱۴۲۱ق). صفوه‌التفاسیر، بيروت: دارالفکر.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۷۷ش). البلاغ فی تفسير القرآن بالقرآن، قم: مکتبه محمد الصادقی.
- صافی، محمود بن عبدالرحیم (۱۴۱۸ق). الجدول فی اعراب القرآن، بيروت: دارالرشید موسسه الايمان.
- صالح، عبدالواحد بهجت (بی تا). الاعراب المفصل لکتاب الله المرتل، ج ۱، عمان/اردن: دارالفکر.
- صدرالدین شیرازی، محمد معروف به ملاصدرا (۱۳۸۹ق). اسفار اربعه، به اشراف علامه طباطبایی، قم: بی جا.
- صفی علی شاه، محمدحسن (۱۳۷۸ش). تفسير صفی علی شاه، تهران: منوچهری.
- طالقانی، سید محمد (۱۳۶۲ش). پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.

طباطبایی، علامه سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.

- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر، اردن: دارالکتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش). جوامع الجامع، تهران: دانشگاه تهران.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- طنطاوی، سید محمد (۱۹۷۷م). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره: نهضه مصر.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الحیاء التراث العربی.
- طه دره، محمدعلی (۴۳۰ق). تفسیر القرآن و اعرابه و بیانه، بیروت: دار ابن کثیر.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۴ش). اطیب البیان فی التفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
- عاملی، ابراهیم، (۱۳۶۰ش). تفسیر عاملی، ج ۱، تهران: کتابفروشی صدوق.
- عروسی حویزی، عبدعلی جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان.
- علوان، عبدالله بن ناصح (۱۴۲۷ق). اعراب القرآن الکریم، مصر: دارالصحابه للتراث.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). کتاب التفسیر (تفسیر عیاشی)، تهران: چاپخانه علمیه.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فرات کوفی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات کوفی، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین، قم: انتشارات هجرت.
- فضل الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعه و النشر.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق). تفسیر صافی، تهران: انتشارات صدر.
- قاضی معتزلی، عبدالجبار (۲۰۰۹م). تفسیر القاضی عبدالجبار معتزلی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش). تفسیر نور، تهران: مرکز درس های از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷ش). تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱ش). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- قرطبي، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش). الجامع لاحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- قشيري، عبدالکريم بن هوازن (بی تا). لطائف الاشارات (تفسير قشيري)، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- قمي مشهدي، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ش). تفسير کنزالذائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت ارشاد اسلامي.
- قمي، علي بن ابراهيم (۱۳۶۷ش). تفسير قمي، ج ۱، قم: دارالکتاب.
- قونوي، اسماعيل بن محمد (۱۴۲۲ق). حاشيه القونوي على تفسير الامام البيضاوي، بيروت: دارالکتب العلميه.
- کاشاني، ملافتح الله (۱۳۳۶ش). منهج الصادقين في الزام المخالفين، تهران: کتابفروشي محمدحسن علمي.
- کرباسي، محمدجعفر (۱۴۲۲ق). اعراب القرآن، بيروت: دار و مكتبه الهلال.
- کرمي، محمد (۱۴۰۲ق). التفسير لكتاب الله المنير، قم: چاپ خانه علميه.
- کريمي حسيني، سيد عباس (۱۳۸۲ش). تفسير عليين، قم: اسوه.
- کليني، محمد بن يعقوب (۱۴۰۷ق). الكافي، مصحح: علي اكبر غفاري، تهران: دارالکتب الاسلاميه.
- گنابادي، سلطان محمد (۱۴۰۸ق). بيان السعاده في مقامات العباد، بيروت: موسسه الاعلمي للمطبوعات.
- ماوردي، علي بن محمد (بی تا). النکت و العيون (تفسير ماوردي)، ج ۱، بيروت: دارالکتب العلميه.
- محلي، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق). تفسير جلالين، محقق: جلال الدين سيوطي، موسسه النور للمطبوعات.
- مدرسي، سيد محمدتقي (۱۴۱۹ق). من هدى القرآن، تهران: دار محبي الحسين.
- مراغي، احمد مصطفي (بی تا). تفسير المراغي، بيروت: دار احياء التراث العربي.
- مصطفوي، حسن (۱۴۳۰ق). التحقيق في كلمات القرآن الكريم، بيروت: دارالکتب العلميه.
- مظهري، محمد ثناء الله (۱۴۱۲ق). التفسير المظهری، پاكستان: مكتبه رشيديه.
- معرفت، محمد هادي (۱۳۸۸ش). تفسير و مفسران، قم: تمهيد.
- معرفت؛ محمد هادي (۱۳۸۷ش). التفسير الاثري الجامع، ج ۴، قم: التمهيد.
- مغنيه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). تفسير كاشف، تهران: دارالکتب الاسلاميه.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی سبزواری، عبدالاعلی (بی تا). مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه اهل بیت.
- مهیا، رضا (بی تا). فرهنگ اجدی عربی-فارسی، بی جا.
- میبدی، رشیدالدین احمد (۱۳۷۱ش). کشف الاسرار و عده الابرار (تفسیر میبدی)، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نریمانی، علی (بی تا). تفسیر عرفانی اشراق، قم: بی نام.
- نسایی، احمد بن علی (۱۴۱۱ق). السنن الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- نقیسی، شادی (۱۳۷۹ش). عقل گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۴۱۱ق). أسباب النزول القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- هواری، هود بن مکم (۱۴۲۶ق). تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۱، الجزائر: دارالبصائر.
- یوسفی غروی، محمود (۱۳۷۲ش). آیات الانوار فی فضائل النبی و آل الاطهار (ص)، قم: دار النشر اسلام.

### فهرست مقالات و سایتها

- خاتمی، معصومه و کاظم طباطبایی (۱۳۸۴ش). «رنگ یا تعمید؟ پژوهشی درباره آیه «صبغه الله...»»، پژوهش دینی، شماره دوازدهم، زمستان، ص ۷.

پایگاه جامع قرآنی [quran.inoor.ir](http://quran.inoor.ir)

ویکی نور <http://wikinoor.ir/>

ویکی شیعه <https://fa.wikishia.net>

دانشنامه حوزوی ویکی فقه <http://wikifeqh.ir>

نرم افزار جامع التفاسیر القرآن

### Bibliography

Alousi, Seyyed Mahmoud, Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, 1415 AH.



- Ibn Abi Hatim, Abd al-Rahman ibn Muhammad, Tafsir al-Qur'an al-Azeem, Arabia: School of Nizar Mustafa al-Barz, 1419 AH.
- Ibn Anbari, Abd al-Rahman, Al Bayan Fi Gharib Arab Qur'an, Qom: Dar al-Hijrah, 1362.
- Ibn Jazi Gharnati, Muhammad Ibn Ahmad, Kitab al-Tashil Uloom al-Tanzil, Daral Arqam Company, 1416 AH.
- Ibn Juzi, Abd al-Rahman, Zad al-Masir fi ilm al-tafsir, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 1422 AH.
- Ibn Shahr Ashub Mazandarani, Muhammad Bin Ali, Mutsabah al-Qur'an and Varifah, Qom: Bidar Publications, 1410 AH.
- Ibn Ashour, Muhammad Bin Tahir, Tahrir and Al-Tanweer, Beirut: Institute of Arabic History, B.
- Ibn Akhiba, Ahmad Ibn Muhammad, Al-Bahr al-Madid fi Tafsir al-Qur'an al-Majid, Cairo: Dr. Hassan Abbas Zaki, 1419 AH.
- Ibn Arabi, Muhyiddin Muhammad, Tafsir Ibn Arabi, Beirut: Darahiya al-Tarath al-Arabi, 1422 AH.
- Ibn Faris, Ahmad Ibn Faris, Mujajm Maqayys Al-Lagheh, Qom: Maktab Al-Alam al-Islami, 1404AH. Q.
- Ibn Qutiba, Abdullah bin Muslim, Gharib al-Qur'an, Beirut: Al-Hilal Dar and School, 1411 AH.
- Ibn Kathir, Ismail, Tafsir al-Qur'an al-Azeem, Beirut: Dar al-Kutb Al-Ulamiya, 1419 AH.
- Abul Fattouh Razi, Hossein bin Ali, Ruz al-Jinnan and Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Qur'an, Mashhad: Astan Quds Razavi, 1408 AH.
- Abuhian Andalsi, Muhammad bin Yusuf, Tafsir al-Nahar al-Mad man al-Bahr al-Muhait, Beirut: Dar al-Janana, 1407 AH.
- Abu Abideh, Muhammad bin Muthni, Majaz al-Qur'an, Cairo: Al-Khanji School, Beita, p. 59.
- Ermi Alavi, Mohammad Amin, Tafsir Hadaeq al-Ruh wa al-Rihan fi Rawabi al-Qur'anic Sciences, Beirut: Dartaraq al-Najah, Bita.
- Amin, Seyyedah Nusrat Esfahani, Makhzan al-Irfan in Tafsir al-Qur'an, Tehran: Muslim Women's Movement, 1361.
- Bahrani, Seyyed Hashem, Al-Barhan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran: Ba'ath Foundation, 1416 AH.
- Boroujerdi, Seyyed Mohammad Ibrahim, Tafsir Jame, Tehran: Sadr Publications, 1366.
- Baghvi, Hossein bin Masoud, Tafsir Baghvi (Maalam al-Tanzil), Beirut: Dar Ahya al-Trath al-Arabi, 1420 AH.
- Balaghi, Mohammad Javad, Ala-ur-Rahman fi Tafsir al-Qur'an, Qom: Ba'ath Foundation, 1420 AH.
- Balkhi, Muqatil bin Sulaiman, Tafsir of Muqatil bin Sulaiman, Beirut: Dar Ahya Al-Trath al-Arabi, 1423 AH.
- Bayani, Shirin, Mongols and Ilkhanate Government in Iran, Tehran: Samit Publications, 1379.

- Beidawi, Abdullah bin Omar, Anwar al-Tanzil and Asrar al-Tawil (Tafsir Beidawi), Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi, 1418 AH.
- Parsa, Forough, Shiite Interpretations and Historical Developments of Iran, Tehran: Institute of Human Sciences and Cultural Studies, 1392.
- Paketchi, Ahmad, History of Qur'an Interpretation, Tehran: Imam Sadiq University (AS), 1392.
- Testari, Abu Muhammad Sahl bin Abdullah, Tafsir Testari, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, 1423 AH.
- Tha'alabi, Abd al-Rahman bin Muhammad, Jawaharlal Hassan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Darahiya al-Truth al-Arabi, 1418 AH.
- Thaalbi, Ahmed bin Muhammad, Al-Kashf and al-Bayan (Tafsir Thaalbi), Beirut: Dar Ahya Al-Tarath al-Arabi, 1422 AH.
- Thaghafi Tehrani, Mohammad, Tafsir Rovani Javed, Tehran: Burhan Publications, 2018.
- Jurjani, Hossein bin Hassan Tafsir Gazer, published by Jalal al-Din Mohaddath Ermoi, Tehran, 1337-1341.
- Jurjani, Abdul Qahir, Darj al-Darr fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem, Amman: Dar al-Fikr, 1430 AH.
- Jazairi, Abu Bakr Jaber, Isr al-Tafaseer Laklam al-Ali al-Kabeer, Medina Munura: School of Sciences and Al-Hakim, 1416 AH.
- Jafari, Yaqoub, Tafsir Kausar, Qom: Hijrat Publications, 1376.
- Javadi Amoli, Abdullah, Tafsir Tasnim, Volume 7, Qom: Isra Publishing Center, 1378.
- Hijazi, Muhammad Mahmud, Al-Tafsir Al-Ashrah, Beirut: Dar al-Jalil, 1413 AH.
- Haraamili, Muhammad bin Hasan, Al-Shi'a Tools, Qom: Al-Bayt Institute (AS), 1409 AH.
- Hosseini Shirazi, Seyyed Mohammad, The Proximity of the Qur'an to Al-Azhan, Bija, Bita.
- Hosseini Hamdani, Seyyed Mohammad, Anwar Derakhshan in Tafsir al-Qur'an, Tehran: Lotfi bookstore, 1404 AH.
- Haqi Brosavi, Ismail, Rooh Al Bayan, Beirut: Dar al-Fekr, B. Ta.
- Hamoush Qaisi, Makki bin Abi Talib, the problem of the Arabs of the Qur'an, Bija, Bita.
- Hawi, Said, Al-Asas fi al-Tafsir, Cairo: Dar al-Salam, 1424 AH.
- Khazen, Ali bin Muhammad, Tafsir Al-Khazen (Labab Tawil fi Maani al-Tanzil), Beirut: Dar al-Kutb al-Alamiya, 1415 AH.
- Khosravani, Alireza, Tafsir Khosravi, Tehran: Islamia Bookstore, 2018.
- Khatib, Abdul Karim, al-Tafsir al-Qur'an for the Qur'an, Beirut: Dar al-Fikr al-Arabi, 1424 AH.
- Droze, Muhammad Azza, al-Tafsir al-Hadith, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami, 1421 AH.
- Darwish, Muhyiddin, Arabs of the Qur'an and Bayaneh, Damascus: Dar al-Rashad, 1415 AH.

- Dara, Muhammad Ali, Tafsir al-Qur'an al-Karim and Araba and Bayanah, Beirut: Dar Ibn Kathir, 1430 AH.
- Daas, Hamidan, Qasim, Arab Qur'an al-Karim. Damascus: Dar al-Munir and Dar al-Farabi, 1425 AH.
- Raghib Esfahani, Hossein bin Muhammad, Al-Qur'an Vocabulary - Beirut, first edition, 1412 A.H.
- Rashid Reza, Muhammad, Tafsir al-Qur'an al-Karim (Tafsir al-Manar), Beirut: Dar al-Marafa, 1414 AH.
- Rezaei Esfahani, Muhammad Ali and a group of researchers, Tafsir Mehr, Qom: Research Department of Tafsir and Sciences of the Qur'an, 1387.
- Zubaidi, Majid Nasser, al-Taysir fi al-Tafsir lal-Qur'an on the authority of Ahl al-Bayt, Beirut: Dar al-Mahjah al-Bayda, 1428 AH.
- Zahili, Wahba, al-Tafsir al-Munir fi al-Aqeedah wa al-Sharia wa al-Manhaj, Damascus: Dar al-Fikr, 1418 AH.
- Zamakhshari, Mahmoud, Al-Kashaf on the facts of Ghwamaz al-Tanzil, Beirut: Dar al-Katab al-Arabi, 1407 AH.
- Zayd bin Ali bin Hussain, Tafsir al-Shaheed Zain bin Ali, Beirut: Al-Dar Al-Ulamiya, 1412 AH.
- Zain, Muhammad Farooq, Bayan al-Nazm Fi Qur'an, Damascus: Dar al-Fikr, 1425 AH.
- Sabzwari, Muhammad, Irshad al-Azhan to Tafsir al-Qur'an, Beirut: Dar al-Taarif for publications, 1419 AH.
- Salmi, Mohammad bin Hossein, Haqqet al-Tafsir (Tafseer Salmi), Tehran: University Publishing Center, 1369.
- Samarqandi, Nasr bin Muhammad, Tafsir al-Samrqandi, Beirut: Dar al-Fikr, 1416 AH, vol.1, p. 97.
- Samaani, Mansour bin Muhammad, Tafsir al-Samaani, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, B.
- Siyuti, Jalaluddin Abdurrahman, Al-Dur al-Manthor Fi al-Tafseer Balmathor, Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library, 1404 AH.
- Seyyed bin Qutb, Ibrahim, in the shadows of the Qur'an, Beirut.

